

احكام موسيقي و سرود از ديدگاه اسلام

تأليف:

شيخ احمد بن عبدالعزيز حمدان

مترجم:

عبدالرحيم سالارزهي

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳	سخنی از مترجم
۶	مقدمه مؤلف

باب اول : سرود (آواز) و انواع آن

۱۴	فصل اول : انواع آوازهای جایز و مباح
۱۵	انواع آوازهای مباح
۱۹	فصل دوم : انواع ساز و آواز حرام و ناجایز

باب دوم : دلایل تحریم کننده موسیقی و ساز و آواز

۲۱	فصل اول : تحریم موسیقی و آواز از دیدگاه قرآن
۲۸	فصل دوم : احکام آواز خوانی از دیدگاه سنت
۳۸	فصل سوم
۳۹	فصل چهارم : موسیقی و آواز خوانی از دیدگاه مذاهب چهار گانه
۴۱	فصل پنجم اجماع
۴۳	دلایل
۵۰	خاتمه

سخنی از مترجم

الحمد لله نحمده و نصلی علی رسوله الکریم

یکی از بلاهای اجتماعی خاور زمین در قرن معاصر، بلای «موسیقی و سرود» است که بذر این بلای واگیر به دست پرورش یافتگان دست استعمار آبیاری و بارور گردیده و در مدت کوتاهی تکثیر و به همه کشورهای اسلامی صادر گردیده و میراثهای گرانبهای مسلمانان و بازمانده تمدنهای باستانی این گهواره تمدن را در نخستین شعله‌های خود طعمه حریق ساخته است.

گروهی از علما و نویسندگان درد آشنا، همچون مولانا عبدالحسن ندوی، مولانا الیاس کاندهلوی و شیخ احمد بن عبدالعزیز حمدان و دیگر بزرگان و مشایخ کرام، عمق خطر را دریافتند و با قدرت به جنگ این بلای جهنم سوز شتافتند و با مقاله‌ها و رساله‌ها و محنت‌ها و تلاش‌های فراوان خود توانستند در حد توان از گسترش این شعله‌ها جلوگیری کنند و با تزریق روح اعتماد به نفس، به بازگشت امت اسلامی از دره سقوط و از خود بیگانگی امیدوار شوند.

موسیقی و آواز خوانی یکی از مشکلات جهان اسلام است که مورد توجه تعدادی از نویسندگان متعهد و آگاه قرار گرفته و آثار ارزشمندی در این رابطه انتشار یافته است که یکی از آنها این رساله کوچک شیخ احمد می‌باشد که به شکل بسیار بسیط ترتیب و تنظیم شده تا خوانندگان بدون برخورد با اشکالی بتوانند مطلب مورد نظر خود را در آن به آسانی دریابند.

عزیزان محترم: همانطور که اروپائیان از تحقیر مذهب و دور انداختن تعالیم دینی و محدود کردن آن به چاردیواری کلیسا، سقوط کردند. این خطر برای جهان اسلام نیز حتمی است، زیرا هر تقلید فرهنگی غرب، حس ابتکار را از بین می‌برد و حس خود کم بینی را به دنبال می‌آورد.

ملت مسلمان باید موقعیت یک ملت آزاد و مستقل و سربلند و متکی به نفس را به دست بیاورد؛ زیرا ملت مسلمان صاحب و نایب آخرین رسالت الهی است و باید این رسالت بر توده جهان چیره شود و سیطره آن بر همه شئون مختلف گسترش یابد. منطق وحی از دیر باز ملت مسلمان را شایسته خلافت، نیابت و وراثت دانسته و خطاب به ملت مسلمان نیز فرموده (در راه خدا با تمام نیرو جهاد کنید) و این به تجربه ثابت شده که هیچ ملتی جز در پرتو انجام رسالت و وظیفه ارشاد و هدایت که همانا (دعوت و تبلیغ) می باشد، به مقام رهبری و پیشوایی نرسیده است، و نمونه روشن و مصداق زنده آن صدر اسلام می باشد که مسلمان با رهبری پیامبر عظیم الشان به مرحله مافوق تصویری از تمدن و ترقی رسیدند که مورد ستایش همه دانشمندان جهان قرار گرفته و هرگز مورخ منصفی دیده نشده که به اهمیت آن دوره اعتراف نکند و سر تعظیم فرود نیاورد.

الحمد لله امروزه نیز یک نهضت اسلامی و بی سر و صدا به نام (دعوت و تبلیغ) در دنیا بوجود آمده که با کمال آرامش و ریشه داری در سر تا سر جهان به کار خویش ادامه می دهد و رهبری آن را طبقه فهمیده و تحصیل کرده ای به نام «مولانا الیاس کاندهلوی» (رحمه الله) به عهده داشته و تاکنون نیز علمای حقانی و ربانی راه رو راه او هستند. الحمد لله اثرات خاص این کار در دنیا به وضوح دیده شده و تأثیراتی که بر انسانها و بخصوص نسل جوانان گذاشته قابل وصف و توصیف نیست. امید است که این کار و محنت بتواند ملت مغرب زمین را از آتش سوزان و خانمان برانداز نجات دهد و به ملت مسلمان نیز مجد و عظمت دیرینه اش را باز گرداند. ان شاء الله

«و ما توفیقی الا بالله توکلت و الیه انیب»

پایان ترجمه : ۱۳۸۲/۶/۱۰

ابو سهیل عبدالرحیم سالارزهی

مقدمه مؤلف :

مقدمه

الحمد لله وحده، و الصلاة و السلام على من لا نبى بعده و على آله و صحبه

اما بعد :

هنگامی که خداوند متعال پدر ما، حضرت آدم عليه السلام را از عدم آفرید و به فرشتگان دستور داد تا بر او سجده تعظیم بجا آورند. عمل تمرد و بی‌اعتنایی ابلیس لعین را مبنی بر عدم سجده بر حضرت آدم □ بیان می‌دارد که چگونه ابلیس از حکم خداوند متعال سرپیچی کرد و امتناع ورزید و مستحق لعنت الهی تا روز قیامت شناخته شد و از رحمت الهی محروم گشت. هنگامی که ابلیس لعین از عاقبت کار خود با خبر شد، سوگند یاد کرد که اگر چنانچه خداوند وی را تا روز قیامت فرصت بدهد، فرزندان آدم را گمراه خواهد ساخت، و آنها را از راه خداوند متعال منحرف خواهد کرد و آنها را به ارتکاب گناه دستور خواهد داد.

خداوند متعال در همین ارتباط می‌فرماید :

﴿ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْۤا اِلَّاۤ اِبْلِیْسَ قَالَ
 ؕ اَسْجُدْ لِمَنْ خَلَقْتَ طِيْنًا ﴿۶۱﴾ قَالَ اَرۡءَیْتَكَ هٰذَا الَّذِیۡ كَرَّمْتَ
 عَلٰی لَیۡنٍ اٰخَرْتَنِۡ اِلٰی یَوْمِ الْقِیٰمَةِ لَاحْتَنٰکَ بِ ذُرِّیَّتِهٖۡۗ اِلَّا قَلِیْلًا ﴿۶۲﴾
 قَالَ اَذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَاِۤنۡ جَهَنَّمَ جَزَاۤءُ کُمْۗ جَزَآءٌ مَّوْفُوْرًا ﴿۶۳﴾

(اسراء / ۶۱-۶۳)

«و ای پیامبر ما، یاد کن زمانی را که گفتیم فرشتگان را که آدم را سجده کنید پس سجده کردند مگر ابلیس، و گفت (ابلیس) آیا سجده کنم کسی را که از گل آفریده‌ای؟ گفت (ابلیس) آگاه کن مرا در مورد این شخص که او را بر من برتر شمردی اگر مرا تا روز قیامت مهلت دهی البته از بیخ بر کنم اولاد او را مگر

اندکی، خداوند فرمودند: برو پس هر کس از آنان، از تو پیروی کند پس به تحقیق دوزخ سزای همه شماست و این جزای کامل است».

هنگامی که خداوند متعال آدم □ و همسرش را بر زمین فرود آورد، او را از تلبیس ابلیس و مکر و فریبش بر حذر داشت و او را آگاهی داد که شیطان دشمن تو و فرزندان می‌باشد. و حضرت آدم و اولادانش سعی نمایند که در برابر توطئه شیطان هوشیاری را از دست ندهند و در هیچ قولی و فعلی از او پیروی ننمایند و راه خدا را در پیش بگیرند و از کتابش که بر پیامبری می‌فرستد اتباع و پیروی نمایند.

چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَقُلْنَا أَهْبَطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾

(بقره / ۳۶)

«و گفتیم در زمین فرود آید (در حالی که) بعضی از شما دشمن بعضی دیگر باشید و تا مدتی زمین محل آرامش و بهره‌مندی شما خواهد بود».

در جایی دیگر خداوند می‌فرماید:

﴿قُلْنَا أَهْبَطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

(بقره / ۳۸)

«گفتیم همه شما به زمین فرود آید پس اگر از طرف من برای شما هدایتی بیاید پس هر کس از هدایت پیروی کرد پس برای آن جماعت نه ترسی است و نه غم و اندوه».

مقصود از «فمن تبع هدای» عمل به قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم ﷺ است. کسی که حلال آن دو را حلال و حرام آنها را حرام بداند، خوشبخت و اگر نه زیانکار خواهد بود.

بزرگترین دست آویز ابلیس برای گمراهی انسان‌ها و دور کردن آنها از راه خدا استفاده کرده از موسیقی و آواز خوانی می‌باشد. موسیقی و آواز خوانی که ابلیس سوگند یاد کرده که از آنها به حیث بزرگترین وسیله و ابزار برای گمراهی انسان‌ها استفاده خواهد کرد. چنانکه تفصیل آنها بعدا خواهد آمد.

پس ساز و آواز بزرگترین سبب از اسباب و عوامل روگردانی از شنیدن کلام الهی است، و کسی که با چنین عمل نادرست و نامشروعی آلوده باشد، هرگز نمی‌تواند پیرو کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ گردد.

ساز و آواز (موسیقی و سرود) ایمان را از دل‌های می‌رباید و هنگامی که دل از ایمان تهی گشت آن وقت تمام اجزاء و جوارح بدن از پیروی اوامر و نواهی الهی دست می‌کشند و قلب، خالی از ایمان و به قرارگاه خشم پروردگار تبدیل می‌شود و بر ذکر و یاد خداوند، زبان سنگینی می‌نماید و اگر چنانچه گاهی اتفاق بیفتد که بنده، خدا را یاد کند این یاد از جهتی کم و نادر و به اعتبار دیگر، دل با زبان موافق نخواهد بود.

موسیقی و ساز آواز راه را برای نفوذ شیطان بر انسان باز، و وی را از عمل کردن به اوامر الهی منع می‌کند.

هنگامی که شیطان زمام اختیار انسان را به دست گرفت، روح و جسم وی را به مثابه آشیانه فساد و گناه در می‌آورد، زیرا موسیقی از افشاندن فساد و تحریک خواهش‌های نفسانی مضائقه نمی‌کند.

موسیقی و آواز خوانی قطب مخالف بزرگترین عبادت‌ها که خداوند انسان‌ها را به ادای آن دستور داده است قرار می‌گیرد که، عبارتست از نماز؛ زیرا طبیعت نماز چنان است که انسان را از بی‌حیائی و منکرات باز می‌دارد. اما موسیقی تحریک دهنده این دو عنصر فساد می‌باشد و کسی که با این طرز تفکر و عقیده مخالفت می‌ورزد در حقیقت خویشتن را فریب می‌دهد و اگر ما (مؤلف) در این مورد به تفصیل صحبت کنیم سخن

طولانی می‌شود و گنجایش آن در این رساله کوچک نمی‌باشد پس آنچه را که مختصراً ذکر می‌نماییم ان شاء الله برای ادای مطلب کافی خواهد بود.

برادر و خواهر مسلمانم!

باید بدانی که وقتی دشمن خدا یعنی ابلیس، سوگند یاد می‌کند که بر بندگان خدا مسلط و سیطره خواهد یافت و آنها را گمراه خواهد کرد و خداوند نیز در پاسخ او فرمودند: «هر چه خواهی بکن و دریغ مدار و انس و جن را به گمراهی بکشان عاقبت تو و پیروانت آتش دوزخ می‌باشد و کسی که اوامر و نواهی خداوند را به جا آورد البته در جنت مقیم خواهد بود».

امروزه مشاهده می‌کنیم که ابلیس از یهود و نصاری و دستیارانشان لشکری تبعیه کرده و تلاش می‌ورزند تا موسیقی و آواز خوانی را در صفوف مسلمانان راه بدهند؛ زیرا آنها نتیجه گرفته‌اند که این دو عامل بزرگ از همه چیز بیشتر می‌توانند عقل و هوش ملت‌های مسلمان را برابیند و آنها را به بی‌راهه بکشانند و نگذارند این ملت‌ها برای تعیین سرنوشت خود بیندیشند، بنابراین دنباله‌رو دیگران شده و با هر صدایی کنار آمده و دیگران را نیز از خداوند متعال دور می‌گردانند.

موسیقی و آواز خوانی بیش از بیانی‌های آتشین در نفس‌ها اثر می‌گذارد و خطابه‌ها و پروژه‌های علمی و کتاب‌های چاپی هرگز نمی‌توانند در روح و روان انسان‌ها بمانند ساز و آواز اثر ناگوار بگذارند. نغمه سرایی و ساز و آواز همیشه در اندیشه‌های شنوندگان خود تأثیرات منفی وارد کرده است و الفاظ و کلمات این آوازه‌ها انسان را از اندیشیدن طبیعی‌اش باز داشته است و به مرور زمان و گذشت قرن‌ها این مفاسد اجتماعی به شکل یک عقیده مستحکم دینی در آمده است در حالی که اگر ما این عبارات و کلمات را بررسی و شرح نماییم، به این نتیجه می‌رسیم که این الفاظ ناروا و دور از عفت زبان و قلم و بیانگر عقاید باطله است تا جایی که عامه مردم آن را نپذیرفته و مردود می‌شمارند

چه رسد به اشخاص حقیقت جو و واقع بین. اما هنگامی که این الفاظ و کلمات به شکل آهنگ در می آیند، عقل های شنوندگان خود را می ربایند و مورد پذیرش واقع شده و خود آنها را زمزمه می کند و مورد بحث و مناقشه قرار نمی دهد و به حرمت آن نیز توجهی نمی کند.

چون موسیقی و آواز خوانی خطرات بزرگی را در سیطره عقل انساها موجب می گردد، بنابراین ابلیس و سربازان یهود و نصرانی اش و کسانی که از آنان پیروی و تبعیت می نمایند از هر فرصتی استفاده کرده و در سراسر جهان وسایل ارتباطات جمعی و رسانه های گروهی را قبضه کرده و تعداد بی شماری از مردان و زنان سراینده و آهنگ سازان و مؤلفین عبارات و الفاظ را که تضاد و تصادم صریح با احکام اسلام دارد استخدام می کنند و آنها را به تمام وسایل تشویق و به پول و شراب و ابزار جنسی مجهز می گردانند و ملت های مسلمان را در جهتی سوق می دهند که با اسلام کاملاً مخالف و در ضدیت قرار می گیرند. بسیاری از آوازا باعث شده که دختران جوان و عقیفه در آغوش گرگان درنده بشریت بیفتند. بسیاری از آوازا سبب و عامل نشر افکار بی دینی لائیکی هستند و بسیاری دیگر باعث و مسبب پخش و نشر نعره ها و شعارهای ملی گرای و منطقه ایی شده است و به وحدت اسلامی صدمه زده اند و همچنین موارد بی شمار دیگر.

برادر و خواهر مسلمانم!

اینک متوجه و مواظب باش که یهود از بکار گرفتن ساز و آواز در پروتوکول سیزدهم حکمای صهیون این طور پرده بر می دارد: وقتی ما عشرت کده های جدیدی بگشاییم ملت های مسلمان و مردم از اشتغال به سیاست دست بردار می شوند و همین سرگرمی ها را در عشرت کده ها، سیاست تلقی می نمایند و برای این که ما آنها را از فعالیت های جدید باز داریم باید ایشان را به انواع و اقسام مختلف خوش گذرانی و

بازی‌ها سرگرم نگهداریم. و باید هر چه زودتر در جراید و اخبار از مردم بخواهیم تا در اشتراک در مسابقات مختلف و در تمام برنامه‌ها از قبیل برنامه‌های سرگرمی و ورزشی و نظیر آنها ثبت نام بعمل بیاورند و اشتراک کنند. این وسایل و ابزار سرگرمی باعث می‌گردد که توده‌ها سرگرم نگهداشته شوند و از علاقه‌مندی و تعقیب مسائلی که با ما اختلاف نظر و عقیده دارند صرف نظر نمایند. در این صورت ملت به صورت تدریجی استقلال و اعتماد به نفس خود را از دست داده. و از نعمت اندیشه محروم می‌ماند، آنگاه ما به شکل انحصاری تنها جامعه‌ای خواهیم بود که اهلیت خواهد داشت و اندیشه‌های جدیدی با برنامه خاص برای این ملت‌ها پیشکش خواهیم کرد.^۱

و اما نصاری در اولین کنفرانس تبشیریان منعقد در قاهره به سال ۱۹۰۶ میلادی که ریاست آن را زویمر کشیش خبیث بر عهده داشت، مشکلات تبشیری خود را مورد بحث قرار داده و مهمترین موضوع مورد بحث این بود:

«مبشرین در کشورهای اسلامی با موانع و مشکلات بزرگی مواجه‌اند، و بعد از بحث و مباحثه فیصله به عمل آمد تا طرق و امکاناتی جستجو گردد تا بتوانند مسلمان را در وضعیت و موقعیتی قرار بدهند تا از افکار و اندیشه‌های دیگران تغذیه شوند و از اندیشه‌های اسلامی خود دور بمانند».

در نتیجه تصویب شد که بزرگترین وسیله و عامل برای تأمین این هدف که تمام گروه‌هایی که برای مسیحی گردانیدن مسلمانان سعی و تلاش دارند و بدان متفق‌اند باید در عمل بیایند. و همانطوری که در گزارش کنفرانس آمده است در رأس تمام برنامه‌های کنفرانس تعمیم و تعمیل موسیقی قرار دارد.^۲

۱- پروتوکول حکمای صهیون ۱۶۸-۱۶۷.

۲- الغاره علی العالم الاسلامی، ۲۰ و هجوم سریع بر جهان اسلام و غزوه فی الصمیم تألیف حبنکه، اسلام را از داخل خودشان منهدم بگردانید ص ۱۷۲.

درباره هواداران و پیروان نصاری باید توضیح دهم که من در یکی از جراید خواندم که مصاحبه‌ای با رئیس سازمان موسیقی انجام گرفته شده بود و رئیس مجمع موسیقی در مصاحبه‌اش گفته بود: «مهمترین هدف سازمان موسیقی این است که موسیقی فراگیر شود و در هر گوشه و کنار دنیای عرب پخش و نشر گردد و جایی باقی نماند مگر این که موسیقی در آنجا راه یابد و ادخال موسیقی در برنامه درسی تمام مقاطع تحصیلی یک ضرورت حتمی و اجتناب ناپذیر پنداشته شود».

بر همین مبنا تصمیم برای تألیف و تنظیم این رساله اهتمام ورزیدم و تلاش کردم تا در آن احکام موسیقی و آواز را از دیدگاه کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ و اقوال علمای ربانی و حقانی مورد بحث و رسیدگی قرار دهم تا هیچ مسلمانی فریب دشمنان اسلام را نخورد و تو برادر و خواهر گرامی نیز هوشیاری را از دست نداده و به دام فریب دشمن نیفتی و سعی و تلاش کنی تا عقل و دین خود را از دستبرد مفسدان و عبث کاران نجات دهی و دنباله رو دشمنان دین نباشی.

این رساله را در دو باب و یک خاتمه ترتیب و تنظیم نموده‌ام.

باب اول: آواز و انواع آن، که دو فصل دارد.

فصل اول: انواع و اقسام آواز و سرودهای جایز و مباح.

فصل دوم: انواع و اقسام سرودها و آوازهای حرام.

باب دوم نیز به بیان ادله و دلایل اختصاص دارد، که ساز و آواز را تحریم می‌کند و

این باب دارای پنج فصل می‌باشد.

فصل اول: هدایت قرآن کریم در مورد تحریم ساز و آواز.

فصل دوم: در آیات و احادیث رسول اکرم ﷺ در این باره.

فصل سوم: آنچه از اصحاب و تابعین در تحریم موسیقی و آواز خوانی نقل شده

است.

فصل چهارم : آراء و افکار مذاهب چهارگانه اهل سنت و جماعت در مورد تحریم ساز و آواز.

فصل پنجم : اثبات اینکه موسیقی به اجماع امت مسلمه حرام قرار داده شده است. آنچه که در این رساله به چشم می‌خورد این است که، رساله در حجم بسیار کوچک تدوین شده که می‌توان آن را در جیب با خود حمل کرد و به آسانی آن را مطالعه نمود؛ زیرا همت‌ها کم شده و مردم نمی‌توانند کتاب‌های ضخیم را مطالعه کنند! به همین منظور این رساله به شکل بسیار بسیط ترتیب و تنظیم شده تا خواننده بدون برخورد با اشکالی بتواند مطلب مورد نظر خود را در آن به آسانی دریابد. سبک و اسلوب نوشتاری بصورت ساده و آسان می‌باشد و احادیث مندرج در رساله، همه از احادیث صحیح‌اند، و از درج احادیث ضعیف پرهیز شده است. در این رساله به اثبات رسیده که موسیقی مسئله‌ای است که بر تحریم آن اجماع شده است.

در پایان از خداوند متعال مسئلت دارم تا ما را به راه راست و مستقیم راهنمایی کند؛ زیرا این هدایت به او اختصاص دارد و او بر تحقیق آن قادر است و بس.

پایان تألیف : ۱۴۰۹/۱۲/۷

احمد بن عبدالعزیز حمدان

باب اول
سرود [آواز] و انواع آن

فصل اول

انواع آوازهای جایز و مباح

تعریف آواز عبارتست از: تطریب^۱ و ترنم^۲ به شعر و نثر و غیره که با بلند کردن آواز و پی در پی آوردن آن می‌باشد، گاهی این طرب و ترنم با موسیقی همراه و یا بدون آن بوده و به تنهایی سروده می‌شود.

تعریف موسیقی:

این لفظ به آلات و ابزار طرب اطلاق می‌گردد مانند: عود^۳، کمان^۴، طبل^۵، مزمار^۶ و غیره و همچنین موسیقی یک لفظ یونانی قدیم است. از این گفته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که موسیقی چیزی دیگر و آواز و سرود چیزی دیگر است و با هم متفاوت‌اند و موسیقی مستلزم آواز نیست و لازم نیست که در هر جا، سازی باشد و آوازی نیز موجود گردد؛

۱- تطریب: شادمانی کردن، به هیجان در آمدن، نشاط سر دادن.

۲- ترنم: آواز خواندن، زمزمه کردن آواز خوش.

۳- عود: چوب بریده شده از درخت و نام یکی از آلات موسیقی است و عود درختی هندی است که در هند و بیرمائی می‌روید و چوب آن قهوه‌ای رنگ و خوشبو می‌باشد و آن را در آتش می‌اندازد که بوی خوش بدهد؛ و نیز می‌توان آن را در موسیقی غنچک و یا دوتار نامید...

۴- کمان: چوب خمیده‌ای است که دو طرف آن را با زه محکم می‌کشند و می‌بندند، آلتی که در قدیم برای تیر اندازی بکار برده می‌شد و هر چیز خمیده را نیز کمان می‌گویند و یکی از ابزار موسیقی می‌باشد.

۵- طبل یا دهل: یکی از آلات موسیقی شبیه دایره است و دارای دیواره بلند چوبی یا فلزی می‌باشد، که در یک طرف آن یا هر دو طرف آن پوست نازکی کشده شده و با دو تکه چوب نواخته می‌شود، جمع آن اطحال و طبول، در فارسی تبیر و تبیره و تبوراک و کوس هم گفته شده.

۶- مزمار: نای و جمع مزبور به معنای سرود و ترانه و طرب شاد شدن، اهتزاز و جنبش از شادی و نشاط، شادی و شادمانی.

زیرا تنها طرب و ترنم با بلند کردن آواز و پی‌درپی آوردن آن، آواز خوانی است خواه با موسیقی همراه گردد و یا بدون آن.

برادر و خواهر مسلمانم!

هنگامی که به این واقعیت پی بردی پس نیک بدان که مقصود و هدف ما از انواع آواز جایز و مباح، به مجرد بلند کردن آواز و توالی آن با طرب و ترنم همراه است بدون این که با موسیقی و ساز همراه گردد. آواز مباح نیز به چند نوع بوده و طبق تحقیقات به عمل آمده، شرایط جایز آن توضیح داده می‌شود.

انواع آوازهای مباح

۱- حداالابل^۱. نوعی از آواز است که اعراب از آن استفاده می‌کردند تا راه بر آنها کوتاه معلوم شود و خود را با نشاط نگهدارند و شتران را با خواندن آن به شور و وجد در بیاورند تا به سفر خود سرعت ببخشند.^۲

اللهم لو لا انت ما اهتدینا و لا تصدقنا و لا صلینا
فاغفر فداء لك ما اقتنینا و ثبت الأقدام ان لاقینا^۳

ترجمه: بار الها اگر هدایت تو نمی‌بود ما گمراه بودیم و زکات نمی‌دادیم و نماز نمی‌خواندیم، ما را بیمارز، آنچه داریم در راهت تصدقت باد، دو پای ما را در میان کارزار استوار بگردان.

۱- حداالابل: به سرود و آواز ساریبان هنگام راندن شتران گفته می‌شود در فارسی به حدا، وحدی نیز گفته می‌شود.

۲- لسان العرب ۱۴-۱۶۸ قول عامر بن اکوع^{رضی الله عنه} است که در غزوه خیبر در وقت راندن شتران می‌سرود.

۳- روایت مسلم ۱۲-۱۶۶ و بخاری ۱۰، ۵۳، ۷، ۴۶۳.

۲- الرجز^۱: سرودن شعر در جنگ به خاطر تشویق جنگجویان و رزمندگان برای نفوذ در صفوف دشمن را گویند.

به عنوان مثال: قول عبدالله بن رواحه رضی الله عنه است که در غزوه موتیه این چنین رجز خوانی کرد:

اقسمت بالله لتنزله

طائعه او لتكرهنه

ان اجلب الناس و شدوا الرنه

مالي اراك تکرهين الجنه^۲

ترجمه: من، به نام خدا سوگند خورده‌ام که در صف دشمن رخته می‌کنیم چه به طبع و خواهش نفس و چه به زور، جز این نیست که یا غالب می‌شویم و یا شهید گشته به بهشت می‌رویم.

دشمن بانگ زده و کمر تباهی برای ما بسته چرا نفس می‌ترسد تا شهید شود و در بهشت برود؟

۳- سرودی که مردم به خاطر کاهش خستگی و متاعب شغل و کار، زمزمه می‌کنند و جسم و جان خود را با آن راحت می‌بخشند مانند این قول مهاجرین و انصار که در هنگام حفر خندق می‌سرودند:

نحن الذين بايعوا محمدا على الجهاد ما بقينا ابدا

ترجمه: ما کسانی می‌باشیم که با محمد □ بیعت کردیم تا زنده‌ایم به جهاد خود در راه خدا ادامه بدهیم.

۱- الرجز: به شعری گفته می‌شود که هنگام جنگ در مقام مفاخرت و خود ستایی بخوانند.

۲- سیره ابن هشام ج ۲ ص ۳۷۹.

پیامبر اکرم □ در حالی که خود در کندن خندق با نفس نفیس شان شرکت داشتند این چنین پاسخ دادند.

اللهم لا عیش الا عیش الاخره

فاکرم الانصار و المهاجره^۱

ترجمه: خدایا زندگی سعادت‌مند همانا زندگی آخرت است بس، پس الهی انصار و مهاجرین را مورد لطف و عزت خود قرار بده.

۴- سرودن و ترنم مادر به خاطر خواباندن فرزند مانند:

بنیتی ریحانه اشمها فدیت بنتی و فدتنی امها^۲

ترجمه: دخترکم گلی است که می‌بویم، من به خاطر دخترم قربانی می‌دهم همان طوری که مادرم برای من قربانی داد.

۵- سرودن زنان در عروسی‌ها و مراسم ختنه، آمدن مسافر و در اعیاد مانند:

اتیناکم اتینا کم فحیو نانحییکم

و لو لا الذهب الاحمر ما حلت بودایکم

و لو لا الحبه السمراء لم تسمن عذاریکم^۳

ترجمه: ما آمدیم ما آمدیم؛ ما را خوش آمدید، بگویید ما هم مقابله به مثل می‌کنیم و اگر آبادی در محیط شما نمی‌بود این جا پیش شما کسی نمی‌آمد. اگر حبه سمرا^۴ نباشد دختران شما چاق و فربه نمی‌شوند.

۱- روایت بخاری ۶، ۴۶ و مسلم ۱۲، ۱۷۲.

۲- آغانی ترقیص الاطفال عند العرب ۹۶.

۳- روایت از امام احمد ۳، ۳۹۱ و ابن ماجه ۱، ۶۱۲ و حاکم ۲، ۱۸۳.

۴- حبه سمرا: بوته‌ای است دانه‌دار که شبیه کنجد می‌باشد، دانه را از بوته‌اش بیرون کرده بوسیله آسیاب آرد می‌نمایند و بعد از آن در آب جوش مقداری از آن را می‌ریزند و به زنان حامله می‌خورانند.

اینها سرودهای مشروع و مباحی می‌باشد که زمزمه آنها با شرایط خاص اشکالی ندارد.

شرایط آن عبارتند از:

۱- سرود باید مخالف شرع نبوده و آلوده با شرک نباشد و از بی‌حیایی و ناسزا گفتن به مسلمانان و از عشق ورزیدن به زنان عاری بر کنار باشد و در آن شراب توصیف نگردد.

۲- انسان را از فریضه‌های الهی باز ندارد و سبب ضایع کردن و فوت شدن واجبات و تکالیف شرعی نگردد.

۳- اگر سرود را زن بالغ زمزمه می‌کند جایز نیست که آواز او را مردان اجنبی بشنوند؛ زیرا وقتی که مرد آواز زن را می‌شنود لذت می‌برد و لذت بردن موجب فتنه می‌گردد. و این سخن و استدلال را هیچ عقل سلیمی رد نمی‌کند. اگر سراینده کودک دختری باشد که از آوازش خوف فتنه نمی‌باشد در شنیدن آواز آن از جانب مردان اشکالی ندارد.

۴- سراینده زیاد نسراید زیرا اگر سراینده بسیار سرود و نزد مردم معروف شد و یا از سرودن مزد گرفت آن وقت با او مانند یک سفیه و کم عقل رفتار می‌شود و از تصرف منع و نزد علما شهادتش پذیرفته نمی‌شود، چنانکه در کتب فقه همین طور تثبیت شده است و امام شافعی (رحمه الله) بر رد شهادت سراینده مشهور تصریح کرده است.^۱

۵- باید سرود با موسیقی و ساز همراه نباشد. اگر چنانچه آواز با ساز و موسیقی همراه باشد در حرمت آن تردیدی وجود ندارد اما دف (دائره) از این تحریم مستثنی می‌باشد و دف همان دائره معروف عرب است که با غربال شباهت دارد و زدن آن جایز است به شرطی که طبل، زنگ و زنگوله نداشته باشد و این جواز و اباحت فقط در حق

۱- السنن الکبری ۱۰، ۲۳۳.

زنان است، زنان می‌توانند آن را در عروسی‌ها، ولیمه‌ها، عیده‌ها و قدوم مسافر برای هم‌جنسان خود بنوازند و باید نوازندگان سعی نمایند در نواختن آن از حدود سنت و جواز شرعی قدمی فراتر نهند. اما نواختن دایره برای مردان جایز نیست.

فصل دوم

انواع ساز و آواز حرام و ناجایز

آواز وقتی حرام می‌باشد که از حدود شرایط ذکر شده بیرون گردد. امروزه بنا بر دلایل ذیل ساز آواز حرام تلقی می‌گردد.

- ۱- آواز همراه با ساز و موسیقی می‌باشد.
 - ۲- مشتمل بر اقوال مغایر و مخالف شرع می‌باشند.
 - ۳- باعث باز داشتن از ادای فرایض و واجبات و تکلیف شرعی می‌باشد.
 - ۴- سراینده، زن می‌باشد که آواز وی را نامحرم می‌شنوند.
 - ۵- سراینده بسیار می‌سراید تا معروف و مشهور گردد.
 - ۶- بر سرودن مزد می‌گیرند.
 - ۷- به لحن و لهجه مردم فاسق و فاجر می‌سرایند.
- زیرا این نوع سرایندگی به فحش و ناسزا منجر می‌گردد و از نظر شریعت حرام است.

باب دوم
دلایل تحریم کننده موسیقی
و ساز و آواز

فصل اول

تحریم موسیقی و آواز از دیدگاه قرآن

در این فصل به سه آیت از کتاب الله اکتفا می‌کنیم، در این سه آیت موسیقی و آواز تحریم شده است.

آیه نخست سوره اسراء ۶۵-۶۴: بعد از این که شیطان امر خدا را مبنی بر سجده آدم نادیده گرفت و اخطار داد و سوگند خورد که اگر تا روز قیامت به او فرصت داده شود فرزندان آدم را مطیع خویش خواهد ساخت و آنان را به گمراهی خواهند کشاند، مگر اندکی را که از امر و دستورهایش سرباز زنند.

خداوند متعال تا روز قیامت به شیطان فرصت دادند و به او فرمودند: تو و پیروانت هر چه می‌خواهید بکنید جزای اعمال شما دوزخ است.

«و استغفر من استطعت منه بصوتک و اجلب علیهم بخیلک و رجلک و شارکهم فی الاموال و الاولاد و عدهم و ما یعدهم الشیطان الا غرورا ان عبادی لیس لک علیهم سلطان و کفی بربک وکیلاً».

ترجمه: سبک پندار و بلغزان به آوازت هر که را می‌توانی و بخوان کسانی را که مطیع و فرمانبردار تواند و از انجام اوامر و نواهی الهی سرباز می‌زنند و شریک بگردان ایشان را در مال و ثروت و دارایی که از راه حرام کسب می‌کنند تا در راه نامشروع بیرون از احکام الهی انفاق نمایند. و شریک بگردان ایشان را در فرزندان که با مادران خود زنا کنند و امر شیطان را به جا آورند و ایشان را به شیوه کفر تربیت نمایند.

و در جایی دیگر خداوند می‌فرماید:

«و عدهم و ما یعدهم الشیطان الا غرورا»

زیرا فریب شیطان هیچ چیزی را از سر آنها رد و دفع نمی‌کند. اما ابلیس بندگان مخلص را نمی‌تواند به بیراهه بکشاند؛ زیرا کسی که به ریسمان الهی چنگ بزند خداوند او را حفظ می‌کند و پیروزی نصیب می‌فرماید و شرارت شیاطین انسی و جنی را از سر او دور می‌کند و در صدر این شیطان، ابلیس لعین قرار دارد.^۱

در این آیات اطلاع و خبر است مبنی بر این که ابلیس با کدام طریقه و وسایل بندگان خدا را از راه دور می‌کشد و از جمله آن وسایل، آواز شیطان می‌باشد که توسط آن، شیطان، انسان‌ها را گمراه می‌کند و به دام خود می‌افکند؛ این دام موسیقی و ساز و آواز حرام می‌باشد.

از مجاهد بن جبر (رحمه الله) که در عصر و زمانش پیشوا و شیخ مفسرین بوده و سی مرتبه قرآن کریم را بر ابن عباس □ معنی و تفسیر هر آیه را از او می‌پرسید^۲ روایت است که: این مفسر عالی قدر آواز ابلیس را به آواز نی^۳ لهو و باطل معنی و تعبیر کرده است.^۴ و از ضحاک بن مزاحم (رحمه الله) که دارای علم و دانش زیادی بود و آن را توسط جبیر از ابن عباس □ آموخته بود^۵ به ثبوت پیوسته او آواز شیطان را آواز نی گفته است.

ابن القیم معتقد است که: تردیدی وجود ندارد که سرود از بزرگترین آوازهای شیطان به حساب می‌آید و شیطان توسط آن انسان‌ها را حقیر پنداشته و به خوف و

۱- تفسیر طبری ۹، ۱۱۹-۱۲۲.

۲- غایه النهایه ۲، ۱۴ و طبقات الداودی ۲، ۳۰۵.

۳- به زبان پشتو (شپلی) گفته می‌شود.

۴- تخریج حدیث توسط سعید و ابن ابو دنیا و ابن جریر و ابن المنذر و ابن ابو حاتم صورت گرفته است.

الدر المنصور ۵، ۳۱۲ و ابو نعیم ۳، ۲۹۸ و ابن الجوزی ۲۳۲.

۵- سیر اعلام النبلاء ۴، ۵۹۸.

ترس و اضطراب می‌کشاند و عملی ضد قرآن است؛ در حالی که در سایه‌های قرآن دلها آرام می‌گیرد و مطمئن می‌شود و به درگاه خداوند به نیایش می‌پردازند.^۱

آیه دوم از سوره لقمان آیه ۶ خداوند متعال می‌فرماید :

«و من الناس من یشتري لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغير علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین»^۲.

۱- تفسیر قرطبی ۲۸۸،۱۰ و البحر المحیط ۵۸،۶.

۲- تفسیر دری کابلی در این ارتباط می‌نویسد : این ذکر و یاد همان اشقیایی است که از جهالت و ناعاقبت اندیشی قرآن کریم را ترک داده و در رقص و آواز، لهو و لعب و یادگیر خرافات مستغرق‌اند و می‌خواهند که دیگران را هم در این مشاغل بیهوده آلوده نموده و از دین و یاد خدا منحرف سازند و بر سخنان دین تمسخر و ریشخندی می‌نمایند.

حضرت حسن راجع به لهو الحدیث می‌فرماید : «کل ما شغلک عن عبادة الله و ذکره من السمر و الاضاحیک و الخرافات و الفساد و نحوها» (تفسیر روح المعانی) لهو الحدیث آن است که تو را از عبادت و یاد خدا باز دارد از قبیل شب نشینی ها، سخنان ریشخند و تمسخر، مشاغل و اهیه و ساز و آواز و غیره. نضر بن حارث که از رؤسای کفار بود به غرض تجارت به فارس می‌رفت و از آن جا قصص و تواریخ شاهان عجم را خریده همراه خود می‌آورد و به قریش می‌گفت : محمد ﷺ به شما قصه عاد و ثمود می‌گوید، بیایید من قصه‌های رستم و اسفندیار و شاهان ایرانی را برای شما بیان کنم. نام برده یک کنیز آواز خوان نیز خریده بود و هر کس که در صدد بر می‌آمد که مسلمان شود، کنیز را پیش وی می‌برد تا او را به آواز خوانی خود مشغول سازد، بعد از آن می‌گفت ببین این آواز بهتر است و یا دعوت محمد که می‌گوید : نماز بخوانید و روزه بگیرید و زحمت بکشید. بنابراین آیات مذکور نازل شد.

ترجمه : و از مردم کسی هست که می‌ستاند سخنی را که برای بازی است تا گمراه کند مردم را از راه خدا بدون علم و به تمسخر گیرد راه خدا را این گروه را است عذاب خوار کننده.

لهو حدیثی که انسان را به خود راغب می‌گرداند تا آن را بگیرد و مالش را در راه آن انفاق نماید و مستحق عذاب الهی پنداشته شود، عذاب رسوا کننده، آن از آواز می‌باشد! از عبدالله بن مسعود روایت شده و بدون تردید ایشان یکی از عالم‌ترین صحابه بودند چنانکه خودش بر منبر کوفه خود را این گونه معرفی کرد و قولش را همه تأیید کردند : قسم به خدایی که جز او خدای دیگری نیست هیچ سوره‌ای از قرآن نازل نگشت مگر این که من دانستم که در کجا نازل شده است. و هیچ آیه‌ای از کتاب الله فرو فرستاده نشد مگر این که دانستم که در حق چه کسی نازل شده است. و نه کسی را سراغ دارم که از من دانایتر به کتاب الله باشد. و اگر چنانچه شتری می‌توانست به محل اقامت عالمی سفر کند امکان نداشت که من آنجا سفر نکرده باشم.^۱

از عبدالله بن مسعود □ درباره لهو حدیث پرسیده شد و ایشان در پاسخ فرمودند : لهو حدیث، قسم به خداوند متعال آواز خوانی است و سه مرتبه پاسخ را تکرار کردند.^۲

ابن عباس □ صحابی جلیل القدر و علم امت اسلام و مترجم قرآن مجید و شیخ مفسران بوده و پیامبر اکرم □ درباره اش این گونه دعا فرموده‌اند (اللهم علمه تأویل القرآن)^۳

۱- روایت امام بخاری ۴۷،۹ و مسلم ۷،۱۶.

۲- روایت ابن ابوشیبہ ۳۰۹،۶ و ابن جریر ۶۱،۱۱ و حاکم ۴۱۱،۲ حاکم حدیث را صحت دانسته و ذهبی با این صحت موافق است و بیهقی ۲۲۳،۱۰ و ابن جوزی ۲۳۱.

۳- روایت بخاری ۵۵،۱.

معنی : بار الها به ابن عباس □ تاویل قرآن را بیاموز.

وی لهو حدیث را این طور معنی کرده است : آواز و نظایر آن.^۱

عبدالله بن عمر □ فقیه مردم مدینه و مفتی آن زمان گفته است :^۲

لهو حدیث در قرآن به معنای ساز و آواز است.^۳

جابر ابن عبدالله □ بعد از ابن عمر فقیه و مفتی مردم مدینه به حساب می آید، ایشان درباره لهو الحدیث از دیدگاه قرآن کریم می فرمایند : آواز خوانی و گوش دادن به آن است.^۴

این چهار فقیه بزرگ و سرشناس صحابه به صراحت فرموده اند که : لهو حدیث عبارت از آواز خوانی است و قول صحابه در تفسیر، سند و دلیل می باشد؛ زیرا صحابه کرام □ به علم تفسیر از دیگران. عالم ترند و ایشان نزول قرآن کریم را به چشم خود مشاهده و لمس کرده اند و آن اوضاع و احوال را بهتر می دانند که، این آیات به آن اختصاص یافته است و از جانب دیگر آنها از قرآن فهم کامل و علم صحیح دارند خصوصاً علما و مشایخ آنها در این راه پیش قدم اند، هم چنان وقتی اقوال تابعین بر تفسیر آیتی اجماع کنند، حجت و برهان می باشد.

درباره معنی و مفهوم لهو الحدیث در قرآن کریم، صحابه و تابعین قول متفق دارند که به معنای آواز خوانی است.^۵

۱- روایت ابن ابوشیبیه ۳۰۹،۶ امام بخاری در ادب ۳۵۷،۱ و ابن جریر ۶۱،۱۱ و ۶۲،۹ بیهقی ۲۲۱،۱۰ و

۳۳۳ و ابن جوزی ۲۳۱.

۲- سیر اعلام النبلاء ۲۰۳،۳.

۳- تفسیر قرطبی ۵۲،۱۴.

۴- روایت ابن جریر ۶۲،۱۱.

۵- مقدمه اصول تفسیر ابن تیمیه ۱۰۵،۹۵.

چنانکه بعضی از تابعین بر این معنی تصریح کرده‌اند که عبارتند از :

- ۱- مجاهد ابن جبر (رحمه الله)^۱
- ۲- عکرمه (رحمه الله)^۲ که ایشان از امامان بزرگ و پیشوایان علم تفسیر و قرائت قرآن به حساب می‌روند و در نزد ابن عباس □ تعلیم یافته و از او علم آموخته است. شعبی (رحمه الله) عکرمه را این گونه معرفی می‌کند که : هیچ کسی را عالم‌تر و داناتر به کتاب الله از عکرمه ندیدم.^۳
- ۳- مکحول (رحمه الله)^۴ : ایشان یک تابعی بزرگوار می‌باشند و در عصر خود امام و پیشوای مردم شام بود و از مذهب او تقلید می‌کردند.^۵
- ۴- ابراهیم نخعی (رحمه الله)^۶ : فقیه عراق و علمبردار فتوا در آنجا.^۷
- ۵- عطاء خراسانی (رحمه الله)^۸ : محدث و مفتی مجاهد
- ۶- حسن بصری (رحمه الله)^۹ : فقیه مردم بصره و محدث، شخصیتی که حضرت عمر □ درباره‌اش این چنین دعا کردند : بارالها حسن بصری را در علم دین دانشمند و

۱- روایت ابن ابی شیبۀ ۳۰۹،۶، طبری ۶۲،۱۱، ابن جوزی ۲۳۱ و الدر المنثور ۵۰۵،۶.

۲- روایت ابن ابی شیبۀ ۳۰۹،۶، ابن جوزی، ۲۳۱ و ابن ابی الدنيا الدر المنثور ۵۰۵،۶.

۳- غایة النهایة ۵۱۵،۱ و طبقات الداودی ۳۸۶،۱.

۴- روایت ابن عساکر، الدر المنثور ۵۰۵،۶.

۵- سیر اعلام النبلاء ۱۵۵،۵.

۶- روایت ابن ابو الدنيا، الدر المنثور ۵۰۵،۶.

۷- سیر اعلام النبلاء ۵۲۰،۴.

۸- روایت ابن ابو حاتم و حاکم در کتاب الکنی، الدر المنثور ۵۰۵،۶، ۵۰۷،۵.

۹- روایت ابن ابو حاتم، الدر المنثور ۵۰۵،۶.

محبوب مردم بگردان و این دعا نیز اجابت شد. و نیز ایشان کسی هستند که از سینه ام المؤمنین ام سلمه (رض) شیر خورده‌اند.^۱

و همچنین هفت تابعی دیگر که به وضاحت و صراحت گفته‌اند که معنای لهو الحدیث در این آیه آواز خوانی می‌باشد و هیچ کس هم با این رأی مخالفت نکرده است. پس گفتار این عزیزان دلیل و حجت است و باید رعایت و پذیرفته شوند و پیش از ایشان چهار صحابه فقیه، لهو الحدیث را همین طور تفسیر و معنی کرده‌اند. حاکم (رحمه الله) فرموده است: باید طالب علم نیک بداند و آگاه باشد که تفسیر اصحابی که ناظر و شاهد عینی نزول وحی قرآن بوده‌اند از دیدگاه امام بخاری و مسلم حجت و سند می‌باشند.

آیه سوم از سوره نجم: ۶۱-۵۹ خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ﴿۵۹﴾ وَتَضْحَكُونَ ﴿۶۰﴾ وَلَا تَبْكُونَ ﴿۶۱﴾ ﴾

﴿ وَأَنْتُمْ سَمِيدُونَ ﴾ (نجم / ۵۹-۶۱)

«آیا از این سخن تعجب می‌کنید و خنده می‌نمایید و نمی‌گیرید و می‌سرایید.»

خداوند مشرکین را مخاطب ساخته و می‌فرماید: آیا به حیرت می‌افتید که این قرآن بر محمد ﷺ نازل می‌گردد و او را به استهزا و مسخره می‌گیرید و می‌خندید و گریه نمی‌کنید، به خاطر آنچه از عذاب که برای گناه کاران پیش بینی شده است و سامد می‌باشید. سمود مکروه و مذموم که خداوند در این آیه ذکر فرموده عبارت از آواز خوانی است. ابن عباس ﷺ فرموده است: سمود در این آیه به معنای آواز خوانی است،

طبق لغت زبان مردم یمن، چنانکه می‌گویند: (اسمد لنا) یعنی: بخوان برای ما و^۱ نغمه سرایی کن.

فصل دوم

احکام آواز خوانی از دیدگاه سنت

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ﴾ (حشر / ۷)

«و هر چه بدهد شما را پیامبر، بگیرید آن را و هر چه منع کند شما را از آن باز ایستید».

و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ﴾ (نساء / ۵۹)

«و فرمان برید خدا و فرمان برید پیامبر را».

خداوند به ذات اقدس خود سوگند یاد کرده است که هیچ انسانی مومن به حساب نمی‌آید تا وقتی که به قضاوت پیامبرش در تمام قضایایی که با دیگری اختلاف دارد تن در ندهد، و وی را حکم نگرداند و وقتی به حکمیت و قضاوت پرداخت به رضا و رغبت و فراخی سینه به حکمیت و قضاوت او راضی و قانع نگردد.

چنانچه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا

يَخْتَدُوا فِيْ أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَدُسِّلُوا تَسْلِيمًا ﴾ (نساء / ۶۵)

۱- روایت طبری ۱۳، ۸۲ و ابن ابو الدنيا ۱۳ و البزاز ۳، ۷۲ و بیهقی ۱۰، ۲۲۳ و ابن جوزی ۲۳۱.

«پس قسم پروردگار تو این است که ایشان مسلمان نباشند تا آن که حاکم کنند تو را در اختلافی که واقع شد میان ایشان و باز نیابند در دل خویش تنگی از آن حکم که فرمودی و قبول کنند به انقیاد و تسلیم».

خداوند مسلمانان را از این که اطاعت پیامبرش را نکنند بر حذر داشته و هشدار داده است و فرموده است :

﴿ فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِمْ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ

عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴾

(نور / ۶۳)

«پس باید که بترسند آنانی که خلاف حکم پیامبر عمل می‌کنند از آن که برسد به ایشان بلایی و یا برسد به ایشان عذاب دردناک».

امام احمد فرموده‌اند : آیا می‌دانید فتنه چیست؟ فتنه شرک است.^۱

شاید بعضی از مردم اقوال پیامبر اکرم ﷺ را در دل نپذیرند، پس ایشان هلاک می‌گردند.^۲

۱- به معنای رد و منع مثل این آیه مبارکه : «و احذرهم أن یفتنوک» یعنی : تو را منع کنند و باز دارند.

۲- به معنای شرک و کفر مانند این قول خداوند «و الفتنه أشد من القتل»

۳- «و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه» یعنی : تا شرک و کفری باقی نماند.

۴- به معنای عذاب دادن و سوزاندن مانند : «إن الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنات» یعنی : مؤمنان را شکنجه کردند و عذاب دادند و سوزاندند.

۱- فتح المجید ۴۵۹.

۲- فتنه در قرآن مجید به چند معنای دیگر نیز وارد شده است چنانکه در کتاب الوجوه و النظائر تألیف امام دامغانی آمده است.

۵- به معنای عبرت مانند: «لا تجعلنا فتنه للذین کفروا - و لا تجعلنا فتنه

للقوم الظالمین» یعنی: ما را برای شان پند و عبرت مگردان.

امام شافعی (رحمه الله) فرموده است: علما به اجماع خود گفته‌اند وقتی سنت پیامبر

□ به ثبوت برسد باید به آن عمل شود و به قول هیچ کس متروک نگردد.^۱

پیامبر اکرم □ فرموده‌اند: «آگاه باشید که به مانند قرآن برایم نیز عنایت شده است.^۲

و آن حدیث صحیح می‌باشد؛ و هر دو با هم برابرند و آن، سنت است».

و در جایی دیگر می‌فرمایند: «آگاه باشید و نیک بدانید که چیزی را که پیامبر حرام

گردانیده است، خداوند نیز حرام ساخته است.^۳

شاکر می‌فرمایند: این حدیث حسن و غریب است.

و در حدیثی دیگر می‌فرمایند:

مطلع باشید (سوگند به خدا) من امر کردم، و عظم و پند دادم و از چیزهایی دیگر منع

نمودم و همه آنها مثل قرآن و یا بیشتر از آن است.^۴

برادر و خواهر مسلمانم!

وقتی بر این احادیث آگاهی یافتید پس نیک بدانید که ده‌ها خبر و حدیث در سطح

مشهور و متواتر از پیامبر اکرم □ روایت شده است، مبنی بر اینکه ساز و آواز ممنوع

شده است، و احادیث متواتر افاده علم را کرده و در صحت آن شک و تردیدی باقی

نمی‌گذارد.

۱- فتح المجید ۴۵۷.

۲- روایت امام احمد ۱۳۱،۱ و ابو داود ۳۵۴،۱۲.

۳- روایت ترمذی ۳۸،۵.

۴- روایت ابو داود از طریق اشعث بن ثعبه مصیعی آن را مشکوٰۃ تأیید و توثیق کرده است. ۱۶۴

پس واجب است بر هر مسلمان آن را تصدیق کند و علمی بگرداند و مراتب تعمیل امر و نهی را به جا آورد.

اینک در این فصل ده حدیث صحیح را می‌آوریم و تقدیم می‌نماییم به آن کسانی که دل پاک دارند و می‌شنوند و می‌پذیرند.

حدیث اول: ابو مالک اشعری □ می‌فرمایند که: من از رسول اکرم □ شنیدم که فرمودند: «لیکونن من أمتی أقوام یستحلون الحر و الحریر و الخمر و المعازف و لینزلن أقوام الی جنب علم یروح علیهم بسارحه لهم، یأتیهم لحاجه فیقولون: ارجع إلینا غذا فیبیتهم الله و یضع العلم و یمسح آخرین قرده و خنازیر الی یوم القیامه»^۱ در این حدیث مبارک، پیامبر اکرم □ از پیش آمدی خبر می‌دهند که دامنگیر مردمی از امتش می‌گردد و عبارت از استمرار و تداوم گناهان مانند: ارتکاب زنا، پوشیدن ابریشم، شراب نوشی و گوش دادن به آلات موسیقی از قبیل: دهل، عود رباب و غیره است و چنان این آلات را استعمال می‌کنند که گویا برایشان حلال و جایز می‌باشد. و اگر استعمال این آلات و استماع آواز آنها حلال می‌بود نمی‌فرمودند: «انهم یستحلونها» یعنی: حلال می‌پندارند و هیچ‌به‌فکرشان حرمت آن‌ها خطور نمی‌کند. و از طرف دیگر استعمال این ادوات خشم الهی را به جوش می‌آورد. العیاذ بالله و آنها را خداوند هلاک و تباه می‌نماید و کوه بزرگ را بر آنها می‌افکند.

علم یعنی: کوه بزرگ، و دیگران را به شکل میمون و خنزیر تا قیامت در می‌آورد. حدیث دوم: عبدالرحمن بن عوف □ می‌فرماید: پیامبر اکرم □ دستم را گرفتند و مرا به نخلستان خرما که پسرشان ابراهیم آنجا بود، بردند، ابراهیم را در آغوش گرفتند و

۱- روایت بخاری به تعلیق مؤکد ۵۱/۱ و تعلیق التعلیق ۱۷/۵ دیده شود.

در حالی که نفسشان تنگی می‌کرد و به سختی نفس می‌کشیدند. پس هر دو چشم مبارک آن حضرت □ پر از اشک شدند و اشکشان سرازیر گشتند، من گفتم: ای رسول الله □ گریه می‌کنی، آیا از گریه منع نمی‌کردی؟ فرمودند: به تحقیق من از بلند کردن آواز به گریه که از صدای دو احمق بد کار یعنی آواز بلند کردن در وقت سرور و شادمانی، لهو و لعب و نی‌های شیطان و آواز بلند کردن در وقت مصیبت، کندن صورت، پاره کردن گریبان و آواز شیطان منع می‌نمودم.^۱

و از حضرت انس □ روایت شده است که: در متن حدیث شریف «و رنه شیطان» آمده است.^۲

در این حدیث پیامبر اکرم □ از آواز نی‌ها مذمت فرموده و آن را به شیطان نسبت داده و فرموده‌اند: نی شیطان و آواز نی را، آواز احمق بد کار توصیف و تعریف کرده‌اند و انسان بدکار مرتکب گناه، معصیت و فسق پنداشته می‌شود و در صدر کلامشان فرمودند که: از آن منع کرده است و منع و نهی تحریم را اقتضا دارد.

شیخ الاسلام ابن تیمیه (رحمه الله) فرموده است: این حدیث از بهترین احادیثی به شمار می‌آید که می‌توان از آن تحریم آواز خوانی را اثبات کرد.^۳

۱- روای حدیث ابن سعد ۱۳۸،۱ البزاز ۳۸۰،۱، آجری ۱۱۹، حاکم ۴۰،۴، بغوی ۴۳۱،۵ و این حدیث را حسن گفته و در الفتح از آن سکوت اختیار نموده است.

ترمذی آن را به طور مختصر روایت کرده است ۸۷،۴ و گفته است: حدیث حسن صحیح است و آن را در زمره مسند جابر در آورده است. اصل حدیث در بخاری آمده است ۱۷۲،۳ مسلم ۷۴،۱۵.

۲- فرهنگ عمید: رند، - ان - را این طور معنی کرده است: زیرک، زرنگ، حيله‌گر، بیباک، بی‌قید، لابالی، آن که با هوشیاری و تیزی به اسرار دیگران پی ببرد، این اوصاف ذمیمه و منحط در حق شیطان مصداق دارد. (مترجم)

۳- الاستقامة ۲۹۲،۱.

حدیث سوم : ابن عباس □ می‌فرمایند که پیامبر اکرم □ فرموده‌اند : «ان الله حرم علی، او حرم الخمر و المیسر، و الکوبه و کل مسکر حرام»^۱ در این حدیث صحیح به صراحت در تحریم (کوبه)^۲ ذکر به عمل آمده است و کوبه یکی از آلات طرب است و هیچ آوازی از آن بی‌نیاز نیست.

علی بن بذیمه راوی حدیث می‌فرماید : کوبه، دهل را گویند.^۳

حدیث چهارم : از عمران بن حسین □ روایت شده است که : رسول اکرم □ فرموده‌اند :

فی هذه الامه خسف و مسخ و قذف. کسی از مسلمانان پرسید : یا رسول الله □ !

«و متی ذلک؟ قال : إذا ظهرت القیان و المعازف و شربت الخمر»^۴

خسف : در شکم زمین فرو رفتن و «خسف الله بفلان الارض» : خداوند وی را

زیر زمین بسازد.^۵

۱- راوی حدیث امام ۲۷۴،۱، احمد شاکر در حدیث ۲۴۷۶ گفته است : سند حدیث صحیح است و ابوداود ۱۶۱،۱۰ درباره صحت حدیث و منذری سکوت ورزیده‌اند و بیهقی نیز روایت کرده است.

۲- آلت کوبیدن، چکش، چکش در خانه و بریط از یونانی، عود یکی از آلات موسیقی شبیه سه تار که کاسه‌اش بزرگتر و دسته آن کوتاهتر است.

۳- هم چنان اطلاق کوبه بر عود و بریط نیز می‌گردد. غریب الحدیث ابو عبیده ۲۷۶،۴ و النهایه ۱۱۲،۱، ۲۰۷،۴.

۴- راوی حدیث امام ترمذی ۴۵۸،۶ و یک حدیث صحیح لغیره است و نظایر بسیار دارد.

۵- القاموس المحيط ۱۰۳۹.

مسخ: تبدیل و تحویل یک شکل به شکل دیگر که بدتر از اول است و مسخه الله
 قردا یعنی: خداوند وی را بصورت بوزینه در بیاورد.^۱

قذف: به قوت^۲ هر چه تمام تر انداختن، یعنی: از آسمان با سنگ‌ها زده می‌شود.

قیان: جمع قینه و به معنای سراینده.^۳

در این حدیث پیامبر اکرم □ آگاه می‌فرمایند و پیش بینی می‌کنند که، زود است
 همان مصیبت خسف، مسخ و قذف که دامنگیر ملت‌های گذشته شده بود، عده‌ای از
 امت مسلمه را در بر گیرد، و آن زمانی خواهد بود که سراینندگان و نوازندگان روی
 صحنه حیات ظاهر شوند و شراب نوشی‌ها عام گردد. این سه عذاب رنج آور و دردناک
 از جانب خداوند به این خاطر دامنگیر می‌شود که، مردم به گناه و معصیت رو می‌آورند
 و سراینندگان و نوازندگان را پرورش می‌دهند و تشویق می‌نمایند و نوشیدن شراب
 عمومیت پیدا می‌کند و این خود دلیلی بر این اعمال گناهان کبیره می‌باشد.

حدیث پنجم: ابو هریره □ می‌فرمایند که پیامبر اکرم □ فرمودند: الجرس مزامیر
 الشیطان.^۴

جرس^۵: زنگ مزامیر، نای و سرنای شیطان است.

حدیث ششم: از ابو هریره □ روایت شده که پیامبر اکرم □ فرمودند: فرشتگان
 گروهی را که با خود سگ و زنگ دارند همراهی نمی‌کنند.^۶

۱- معجم متن اللغة ۲۹۳/۵.

۲- النهایه ۲۹/۴.

۳- النهاله ۱۳۵/۵.

۴- حدیث امام مسلم ۹۴،۱۴.

۵- جرس: زنگی که بر گردن چهارپایان می‌بندند.

۶- حدیث امام مسلم ۹۴،۱۴.

وقتی موجودیت زنگ اسباب نفرت فرشتگان را در بر دارد و از همراهی قافله دوری بجویند، پس از استفاده کردن آلات موسیقی مانند: عود و کمان، رباب و غیره، بیشتر دوری می‌جویند و متنفر می‌شوند؛ زیرا فساد را که آلات موسیقی به بار می‌آورند، یک درصد آن زنگ نمی‌تواند به وجود آورد، خصوصاً وقتی که این آلات با آواز که به پیشرفته‌ترین وسایل الکترونیکی ثبت می‌شوند.

آن وقت مو را بر اندام انسان راست می‌گرداند و همراه و هم آهنگ با آن می‌شود و جهانی را به فساد می‌کشاند.

حدیث هفتم: از نافع غلام ابن عمر □ روایت کرده است که: ابن عمر □ آواز نی چوپان را شنید و دو انگشت خود را در دو گوش خود قرار داد و حیوان سواری‌اش را از راه به طرف دیگر کشاند و گفت: ای نافع! آیا آواز نی نواز را می‌شنوی؟ من گفتم: بلی و او می‌رفت تا اینکه گفتم: آواز را نمی‌شنوم. او دست‌ها را از گوش بیرون کرد و حیوان را دوباره به راه آورد و گفت: پیامبر اکرم □ را دیدم وقتی که آواز چوپانی را شنید دو انگشت خود را بر گوش‌های خود می‌نهادند و همین طور عمل می‌کردند که من کردم.^۱

این حدیث ثابت می‌کند که، هنگامی که انسان آواز نی را می‌شنود و نمی‌تواند آن را به علت زور و آواز بلند آن و یا بعد مسافت راه، آن را دفع کند پس باید هر دو گوش خود را ببندند، چون نافع کودک و طفل بود به مرحله تکلیف نرسیده بود بنابراین وی را به بستن گوش‌هایش امر نکرده بودند.^۲

۱- راوی حدیث امام ۴۵۳۵، ۴۹۶۵، آجری ۱۲۵، بیهقی ۲۲۲، ۱۰ و خلال ۱۷۶.

۲- عون المعبود ۱۳، ۲۶۷.

ابن جوزی (رحمه الله) گفته است: در صورتی که فعل صحابه □ درباره آوازی که از حد اعتدال تجاوز نکرده است با این پیمانۀ نکوهش و مذمت برسد، پس زشتی آواز مردم عصر و زمان ما و نای‌شان به کدام پیمانۀ مذمت خواهد بود.

می‌گویم خداوند ابن جوزی را مورد رحمت خود قرار دهد، اگر او آواز مردم عصر ما را با آلات موسیقی آنها که گوش‌ها را آزار داده و اذیت می‌کنند، گرچه آنها اراده و قصد شنیدن را ندارند، اما آلات موسیقی به کامپیوتر مانند انسان شروع به صحبت می‌کند و گوش‌ها را به طرز عجیبی به هیجان در می‌آورد و انسان را به طرف خود می‌کشاند، آن وقت به او چه ذهنیتی دست دهد؟

حدیث هشتم: ابو هریره □ می‌فرماید: پیامبر اکرم □ از مزد و اجرت آواز منع فرمودند.^۱

حدیث نهم: عبدالله بن عباس □ روایت شده است که: رسول اکرم □ فرموده‌اند: من فرستاده شده‌ام تا نی و دهل را ویران نمایم.^۲

حدیث دهم: حضرت انس □ می‌فرماید که: رسول اکرم □ فرمودند: دو آواز از رحمت خدا در دنیا و آخرت محروم و ملعون می‌باشند؛ ۱- سرودن در وقت خوشی ۲- در هنگام مصیبت چون شیطان بانگ زدن.^۳

از این حدیث معلوم می‌شود که آواز سراینده، ملعون و صاحب آن از رحمت الهی دور می‌باشد و پیامبر اکرم □ وی را در دنیا و آخرت ملعون فرموده و لعنت در یک امر مهم و خطیر گفته می‌شود.

۱- راوی حدیث ابو عبیده ۳۴۱،۱ به سند صحیح است و خلال ۱۷۵ و روایت بیهقی ۱۲۶،۶ نجوی ۲۳،۸.

۲- راوی ابن جوزی ۲۳۳ و سندش حسن است.

۳- راوی حدیث بزاز ۳۷۷،۱ و سندش حسن است. ناله سرادن.

فصل سوم

دربارهٔ اقوال صحابه کرام □ و تابعین در سه قرن اول که بهترین قرن‌ها به حساب می‌آیند صحبت می‌کنیم؛ عده‌ای از اقوال حکم مرفوع را دارا بوده و به پیامبر اکرم □ منسوب است و نظر فردی و شخصی نمی‌باشند.

۱- ابوبکر صدیق □ دو دختر کودک را مشاهده کرد که دایره می‌زنند و همراه با آن آواز می‌خواندند، صدیق اکبر □ هر دو را سرزنش کرد و فرمود: این آواز از شیطان است، پیامبر اکرم □ نظر صدیق □ را تأیید نمودند.^۱

۲- وقتی حضرت عمر □ آوازی و یا صدای دهل را می‌شنید می‌پرسید: این آواز از چیست؟ اگر می‌گفتند: مراسم عروسی و یا ختنه برپا است خاموش می‌گردید.^۲

۳- حضرت عثمان □ همیشه لطف و شکر الهی را بجا می‌آورد که توفیق نیافته تا آواز بخواند و یا آرزوی آن را بنماید و به این معصیت آلوده شود.^۳

۴- ابن مسعود □ می‌فرمایند: وقتی انسان بر چهار پای سوار شود و بسم الله نگوید، شیطان بر پشت سر او سوار می‌شود و به او می‌گوید: آواز خوانی کن و اگر شخص نتوانست آواز بخواند به او می‌گوید: آرزوی تو را بکن.^۴

۵- آواز در دل ریا می‌پروراند همانطور که آب زراعت را بارور می‌گرداند.^۵

۶- آواز خوانی مقدمه و پیش آهنگ زنا است.^۶

۱- روای حدیث امام بخاری ۴۴،۲ و ۴۴۵.

۲- روای حدیث عبدالرزاق ۵،۱۱ و ابن ابی شیبۀ ۱۹۲،۴.

۳- ابن ابو عاصم ۵۹۵،۲، بسوی ۴۸۸،۲، طبرانی ۸۵،۱.

۴- روای عبدالرزاق ۳۹۷،۱۰، طبرانی ۱۷۰،۹، ابن ابو الدنیا ۱۴.

۵- روای ابن ابو الدنیا ۱۳، بیهقی ۲۲۳،۱۰.

۶- نزعة الاسماع ۶۶.

- ۷- حضرت انس □ فرموده است : بدترین کسب و مزد و اجرت، آواز خوانی است.^۱
- ۸- عبدالله بن عمر □ از کنار گروهی گذر کردند که احرام بسته بودند و یکی از آنها آواز می‌خواند. ابن عمر □ فرمودند : خداوند دعای حج شما را اجابت نکند.^۲
- ۹- عبدالله بن عمر از کنار دختر بچه‌ای که آواز می‌خواند رد شدند سپس فرمودند : اگر شیطان از کسی دست بر می‌داشت، پس مزاحم این دختر بچه نمی‌شد.^۳
- ۱۰- وکیع بن جراح (رحمه الله) می‌فرمایند : طنبور را بگیر و بر فرق مالک آن خرد کن چنانکه ابن عمر □ نیز همین طور بر خورد نمودند.^۴
- ۱۱- سويد بن غفله □ می‌فرمایند : فرشتگان در خانه‌ای که دهل باشد نمی‌آیند.^۵
- صحابه‌های جلیل‌القدر بسیاری و همچنین بزرگان زیادی در این باره نقل قول تصریح فرموده‌اند که، در این رساله کوچک ما نمی‌گنجند و ما به همین روایت اکتفا می‌کنیم و از خوانندگان محترم می‌خواهیم که در این مورد تحقیق بیشتر بفرمایند.

۱- روایت ابن ابو الدنيا ۱۳، بیهقی ۱۰، ۲۲۳.

۲- روایت ابن ابو الدنيا و روایت بخاری در ادب ۲، ۲۴۵.

۳- راوی خلال ۱۲۶.

۴- طنبور : یکی از آلات موسیقی می‌باشد که دارای تار می‌باشد. فرهنگ عمید طنبور را این چنین تعریف کرده است : طنبور یکی از آلات موسیقی دارای دسته دراز و کاسه کوچک شبیه سه تار طنبار هم می‌گویند. (مترجم)

۵- روایت بخاری در ادب ۲، ۴۶۴ و بیهقی ۱۰، ۲۳۳.

فصل چهارم

موسیقی و آواز خوانی از دیدگاه مذاهب چهار گانه

۱- امام ابو حنیفه (رحمه الله) در تحریم و عدم جواز آواز خوانی بسیار تأکید می نمود و سخت گیر بود حتی که هیچ یک از سایر مذاهب به پایه او نمی رسید. امام ابو حنیفه (رحمه الله) شنیدن موسیقی را معصیت می پنداشت^۱. پیروانش گفته اند: گوش کردن صدای موسیقی و آواز خوانی حرام است. آنها استدلال می کنند که، پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند: شنیدن لهو و موسیقی گناه است و نشستن در آن مجلس فسق و لذت بردن از آن کفر است.

حدیث مذکور از زمره احادیث مرسل مکحول به شمار می آید.^۲

۱- تلبیس ابلیس ۲۲۹.

۲- فتاویٰ بزازیة حاشیه فتاویٰ هندی ۳۵۹،۶ و حدیث مرسل استاد مکحول روایت کرده است. امام ابوبکر جزائری در رساله اش تحت عنوان حکم الموسیقی و الغناء می گوید: امام ابو حنیفه در تحریم ساز و موسیقی و سرود بسیار سخت گیری کرده و هر دو را موجب فسق دانسته و شهادت مرتکب را مردود شمرده است و پیروانش نیز شنیدن سرود را فسق و لذت بردن از آن را کفر تلقی کرده اند، و چون استنادشان را یک حدیث ضعیف تشکیل می دهد پس می توان گفت که کفر تا کفر فرق دارد و کفر معصیت، معصیت پنداشته می شود و انسان را از دین اسلام خارج نمی کند. امام ابو یوسف فرموده است: اگر مسلمانی آواز لهو و لعب و موسیقی را از داخل خانه بشنود باید بدون اجازه داخل شود و آن منکر را تغییر بدهد زیرا تغییر منکر، بر هر فرد واجب است، و باید امام مسلمین، موسیقی نواز را به زندان بیندازد یا شلاق بزند و تبعیدش کند.

۲- از امام مالک (رحمه الله) پرسیده شد: کدام آوازه‌ها را مردم مدینه جایز می‌پندارند؟^{۲۱}

در پاسخ فرمودند: یک تعداد فاسقان دیار ما به آن عمل می‌کنند. گفته است: کسی که کنیزی خرید و بعد از آن ثابت شد که یک آواز خوان است، آن وقت می‌تواند او را به داشتن عیب بر فروشنده رد کند؛ زیرا آواز خوانی عیب پنداشته می‌شود.

امام شافعی (رحمه الله) فرموده‌اند: شهادت آواز خوان، چه مرد باشد چه زن قابل شنیدن و گوش دادن نمی‌باشد و کسی که به این شغل اشتغال ورزد با او مثل شخص سفیه و نادان رفتار می‌گردد و یک شخص بی‌مروت می‌باشد.^۳ و نیز فرموده است. آواز خوانی یک نوع دیوثنی پنداشته می‌شود. نیز فرمودند: در بغداد یک چیزی را گذاشتم که تغییر^۴ نام دارد و زندیقان آن را ایجاد کرده‌اند و مردم را با انجام آن از قرآن باز می‌دارند.^۵

امام شافعی درباره کسی که قرآن کریم را به لحن و طرب و آهنگ می‌خواند این چنین حکم کرده و فتوا می‌دهد. پس اگر او امروز اوضاع و احوال سراینندگان زمان ما را می‌دید چه احساسی پیدا می‌کرد.

۱- راوی خلال ۱۳۱.

۲- راوی خلال ۱۶۵.

۳- راوی خلال ۱۹۱.

۴- تغییر: ذکر خداوند به دعا و تضرع و تلحین و طرب است. بدین ترتیب که مطرب و موسیقی نواز جلوی خود یک بالشتی را می‌گذارد و با چوب بر آن می‌زند.

۵- تلبیس ابلیس ۳۳۰.

۴- امام احمد ابن حنبل (رحمه الله) می‌فرمایند: آواز، نی سرنا، طنبور، رباب آرمونیه و سایر آلات موسیقی حرام‌اند.^۱ و دربارهٔ تغییر می‌فرمایند: تغییر بدعت نوینی است که در شروع سابقه نداشته است.^۲

به امام گفته شد که، تغییر دل را نرم می‌کند و باز ایشان تکرار کردند که، بدعت است.^۳

شخصی از امام پرسید: اگر از من خواستند که مرده‌ای را غسل دهم ناگهان صدای دهلی را شنیدم آن وقت چه کار کنم؟ فرمودند: اگر توانستی دهل را پاره کن در غیر این صورت از آنجا دور شو.^۴ تصریحات مذاهب چهارگانه در این باره بی‌شمارند و ما نیز به همین تعداد اکتفا می‌کنیم.

فصل پنجم

اجماع

اجماع: عبارت از اتفاق علمای امت در هر عصر و زمان در امری از امور دین، اجماع مصدر سوم از مصادر فقه را بعد از قرآن و سنت در بر می‌گیرد. اجماع امت مسلمه دلیل و حجت قاطع بوده و مخالفت با آن به هیچ وجه جواز ندارد. و خداوند متعال می‌فرماید:

۱- تلبیس ابلیس ۲۴۵ حکایت ابن عقیل.

۲- روایت خلال ۱۸۷ تلبیس ابلیس ملاحظه شود.

۳- روایت خلال ۱۸۷ تلبیس ابلیس ملاحظه شود.

۴- روایت خلال.

﴿ وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ
الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ ۖ جَهَنَّمَ ۖ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۗ ﴾

(نساء / ۱۱۵)

«و هر کس با پیامبر مخالفت کند بعد از آن که معلوم شد وی را هدایت و پیروی کند به غیر از راه و روش مسلمانان را، متوجه می‌گردانیم او را به آن جهت و در می‌آوریم وی را به دوزخ و دوزخ جای بدی است.»

خداوند در این آیه نشان می‌دهد که گذاشتن راه مسلمانان و به دیگر راه‌ها رفتن گمراهی و انسان را مستحق دوزخ می‌گرداند. العیاذ بالله پس اجماع مسلمانان و سلوکشان یگانه راه نجات شناخته شده و اگر از آن مخالفت صورت گیرد، مختلف مشمول همین آیه است و از جانب دیگر پیامبر اکرم □ فرموده‌اند: امت مسلمه هرگز به گمراهی، اجماع ننمایند.^۱

وقتی تو ای برادر و خواهر مسلمانم درک نمودی و نتیجه گرفتی که اجماع امت مسلمه دلیل و برهان و حجت است و مخالفت با آن مردود است، سؤالی پیش می‌آید که بگوییم: تحریم موسیقی یک مسأله اختلافی است و مورد مناقشه و اختلاف آرا قرار می‌گیرد و یا قضیه‌ای است که بر حرام بودن آن اجماع شده است و مناقشه را نمی‌پذیرد؟

پاسخ: تحریم موسیقی یک موضوع متفق علیه علمای امت مسلمان است و از صحابه گرفته تا تابعین بر تحریم آن اتفاق و اجماع دارند و قضیه‌ای به شمار نمی‌آید تا مورد بحث و مباحثه و مناقشه قرار بگیرد.

دلایل

۱- به طوری که از جریان آگاه شدیم در سه قرن اول زندگی صحابه و تابعین که بهترین قرن‌ها بوده است، موسیقی را یک مسأله اختلافی و قابل مناقشه ندانسته‌اند بلکه بر تحریم آن اتفاق نظر داشته‌اند و به آن به عنوان یک قضیه اختلافی نظر نداشته‌اند؛ زیرا در مسایل اختلافی و اجتهاد، علما به این اندازه سخت‌گیری نکرده و از تشدد کار نمی‌گیرند و نمی‌گویند که مخالف رای تحریم، فاسق، فاجر، ملعون و شیطان است و امر نمی‌دهند که آلات موسیقی را بر فرق سر مالکان آنها خرد کنند و فتوا نمی‌دادند که کثیف‌ترین مزد و اجرت همانا اجرت موسیقی است و غیره، در حالی که در موسیقی همین طور کرده‌اند و گفته‌اند.

۲- از هیچ یک از آنان نقل نشده که ساز و آواز را مجاز دانسته باشند.

۳- از تقدیم آرا و افکار امامان مذاهب اربعه (رحمه الله) نیز نتیجه گرفته شد که ایشان استفاده از موسیقی را به شدت محکوم و تحریم کرده‌اند و آن را عملکرد فاسقان و معصیتی که مانع ادای شهادت و عدالت می‌گردد، پنداشتند و ساز و آواز را سفاهت و دیوئی تلقی کرده‌اند و به خرد کردن و شکستن آلات موسیقی دستور داده‌اند و آن را بدعت پنداشته‌اند که مردم زندیق پیرو آن شده‌اند و پیروان ابو حنیفه (رحمه الله) و یارانش لذت بردن از آواز را کفر دانسته‌اند.

تمام این گفته‌ها و آنچه در کتب فقه، انعکاس وسیع یافته خود دلالت قاطع واضح بر تحریم ساز و آواز دارد و مورد اتفاق تمام علما قرار دارد و بحث و مباحثه در این باره مطرح نمی‌شود. در مسایل اختلافی و اجتهاد علما به این اندازه سخت نمی‌گیرند بلکه، می‌فرمایند: راه صواب این است که ما گفته‌ایم و احتمال خطای نظر ما نیز موجود است و این طرز فکر دلالت بر انصاف و واقعیت‌گرایی آنها دارد.

برادر و خواهر مسلمانم!

بعد از این مبنی بر تحریم موسیقی به اجماع امت مسلمان و سلف صالحین، لازم است نام علمای بزرگی از ائمه اسلام که به صراحت موسیقی و ساز و آواز را و موسیقی‌ای که با آواز همراه باشد به اجماع تحریم کرده‌اند در این رساله بیاوریم که عبارتند از :

- ۱- ابو عمر بین عبدالبر مالکی.^۱
- ۲- ابو عمرو بن صلاح شافعی.^۲
- ۳- ابو طیب طبری شافعی.^۳
- ۴- ابو عبدالله بن بطه عکبری حنبلی.^۴
- ۵- شیخ الاسلام ابن تیمیه حنبلی.^۵
- ۶- ابوبکر محمد بن حسین اجری.^۶
- ۷- ابو الفرج بن رجب حنبلی.^۷
- ۸- ابو یحیی الساجی الشافعی.^۸
- ۹- ابو زکریای نووی شافعی.^۹

۱- تفسیر قرطبی ۷، ۳.

۲- فتاوی ابن صلاح ۲، ۴۴۹ و ۵۰۰.

۳- تلبیس ابلیس ۲۳۰.

۴- تلبیس ابلیس ۲۳۷ و سخن در مسأله شنیدن ساز و سرود ۱۲۷.

۵- مجموع الفتاوی ۱۱، ۵۶۹، ۵۷۶.

۶- نزهة الاسماع ۲۵.

۷- نزهة الاسماع ۶۴.

۸- مجموع الفتاوی ۱۱، ۵۷۷.

۹- کف الرعاع ۲، ۳۰۵.

- ۱۰- ابو القاسم الرافعی الشافعی.^۱
- ۱۱- مؤفق الدین بن قدامه الحنبلی.^۲
- ۱۲- عماد الدین بن کثیر الشافعی.^۳
- ۱۳- احمد بن حجر هیتمی.^۴
- ۱۴- سلیم بن ایوب رازی شافعی.^۵
- ۱۵- شهاب الدین الاذرعی الشافعی.^۶
- ۱۶- ابوبکر بن منذر نیشابوری.^۷
- ۱۷- برهان الدین عبدالحق حنفی.^۸
- ۱۸- ابو الولید بن رشد القرطبی.^۹
- ۱۹- جمال الدین برزی شافعی.^{۱۰}
- ۲۰- عبدالله بن ابی عصرون شافعی.^{۱۱}

۱- کف الرعاع ۳۰۵،۱.

۲- ذم الشابة و الرقص ۲۷.

۳- الکلام علی مسألة السماع ۴۷۲.

۴- ذم الشابة و الرقص ۲۷.

۵- کف الرعاع ۳۰۶،۲ و ۳۰۷.

۶- روح المعانی تألیف الوسی ۷۷،۲۱.

۷- الاقناع لابن المنذر ۲۴۸،۱.

۸- روح المعانی تألیف الوسی ۷۷،۲۱.

۹- الاقناع لابن المنذر ۲۴۸،۱.

۱۰- کف الرعاع ۳۰۱،۲.

۱۱- کف الرعاع ۳۰۱،۲.

- ۲۱- محمد بن احمد قرطبی مالکی.^۱
 ۲۲- ابو جعفر بن جریر طبری.^۲
 ۲۳- شمس الدین بن القیم جوزیه.^۳
 ۲۴- ابو اسحاق شیرازی شافعی.^۴
 ۲۵- شمس الدین جوهری شافعی.^۵
 ۲۶- شرف الدین قدامه مقدسی حنبلی.^۶

تعدادی از این امامان و پیشوایان دین یه بیست و شش نفر می‌رسد. رحمت الهی شامل حال همه‌شان باد. اینها همه از زمره بزرگان امت مسلمه به حساب می‌آیند. و می‌فرمایند: آوازخوانی و موسیقی به اجماع علمای اسلاح حرام است و چنانکه علامه ابن حجر هیتمی می‌فرماید: کسی که در تحریم موسیقی و آواز اختلافی ذکر می‌کند، خطا و اشتباه کرده است و یا اینکه تابع خواهش‌های نفسانی شده است و گنگ و کور گشته و به بیراهه رفته است و گمراه شده است.^۷

بن حجر قول این اشخاص را رد کرده و می‌گوید: ساده و بسیط نیست که به این آسانی برای جواز موسیقی و آواز دلیلی یافت، بلکه اگر کسی از علما بخواهد دلیلی

۱- تفسیر قرطبی ۵۴، ۱۴ و فتح الباری ۲، ۴۴۲.

۲- تنزیه الشریقه ۶۰.

۳- الکلام علی مسألة السماع ۱۰۶، ۱۱۷، ۱۲۱.

۴- کف الرعاع ۳۰۴/۲، ۳۰۸.

۵- کف الرعاع ۳۰۴/۲، ۳۰۸.

۶- کلام علی مسألة السماع ۴۶۶.

۷- الکلام علی مسألة اسماع ۴۶۶ و کف الرعاع ۲، ۳۰۶، ۳۰۷.

برای حلیت و جواز پیدا کند باید مشکلاتی را متحمل شده و سرگردانی بکشد و طول عمر را برای پیدا کردن و یافتن دلیل اباحت سپری کند. باز هم توفیق نخواهد یافت.^۱ اما گاهی اتفاق می‌افتد که یک تعداد از مردم طرفدار موسیقی و آواز می‌کوشند که برای خود دلیل جواز پیدا نمایند، بنابراین می‌گویند: که ابن حزم موسیقی همراه آواز را جایز گفته است.

در پاسخ ایشان گفته می‌شود: آیا سخن ابن حزم ارزش مناقشه و رد دارد؟ زیرا ما در تحریم موسیقی و آواز آیات قرآنی و احادیث صحیح پیامبر را ذکر کردیم که دلالت صریح بر تحریم موسیقی و آواز خوانی دارد و همچنان در این رساله آرا و افکار صحابه □ و تابعین (رحمهم الله) و ائمه چهارگانه (رحمهم الله) و بیست و شش عالم دین را که هر کدام به نوبه خود موسیقی و آواز را به صراحت تحریم کرده‌اند و همه گفته‌اند که تحریم موسیقی یک مسأله اجماع علمای اسلام است.

درباره تحریم این مسأله کلیه امت مسلمه به یک صدا و آواز اجماع نمایند. و در پیشاپیش آنها علما و صحابه و تابعین قرار دارند که از کتاب الله و سنت پیامبر اکرم □ حرمت آن را استخراج می‌کنند. اما ابن حزم در قرن پنجم می‌آید می‌گوید: موسیقی و آواز جواز دارد و حلال است. آیا می‌توان این همه اقوال را نادیده گرفت و به نظریه ابن حزم عمل کرد؟ این طرز فکر و پذیرفتن رای و نظر ابن حزم عجیب و غریب به نظر نمی‌رسد؟

فرض کنیم که سخن ابن حزم در این باره مورد بحث و مباحثه قرار بگیرد، در صورتی که علما می‌فرمایند: مخالفت و موافقت ابن حزم از اعتبار ساقط است؛ زیرا او در فروع به ظاهر می‌نگرد و در عقیده‌اش پیرو آئین جهمی می‌باشد.^۱ ابن حزم در فلسفه اشیا غرق است و اگر این رساله مختصر گنجایش می‌داشت، تعدادی از مسایل مضحک و گریه‌دهنده مذهب وی را ذکر می‌کردم.

اگر کسی به کتاب المحلی رجوع کند در آن امور و مسایلی را مشاهده می‌کند که از فرط بی‌پروایی مؤلف، پیشانی‌اش عرق می‌کند؛ زیرا او کسی است که بر دانش علما می‌تازد و ائمه را مورد انتقاد قرار می‌دهد و فکر می‌کند که جز او دیگران چیزی نمی‌دانند. وی تلاش می‌ورزد تا با اجماع مخالفت کند.

اما، ما از خداوند متعال یاری می‌جوییم و بر او توکل می‌کنیم و از او می‌خواهیم که از لغزش‌های او در گذر بفرماید و وی را مورد عفو و بخشش خود قرار دهند. زیرا وی علما را به خاطر رد بر افکارش تا به امروز به دشواری و سرگردانی روبرو ساخته است.

۱- جهیم بن صفوان، مؤسس فرقه جهیمه که از جمله جبریه خاصاند و جهیمه، اصحاب جهیم بن صفوان را گویند که بدعت خود را در ترمذ بنیان نهاد و در مرو کشته شد این شخص در نفی صفات ازلی باری تعالی با معتزله موافقت داشت و بدین عقیده چیزهایی افزوده از اعتقاداتش یکی این است که بنده هیچ گاه نباید صفتی که خدا به آن موصوف است؛ موصوف باشد. چرا که تشبیه لازم می‌آید. ایشان صفت حق و علم را از خداوند سلب کرده و گفته‌اند که او قادر و فاعل است و خالق چرا که هیچ موجودی از مخلوقات او به صفت قادر و فاعل و خالق موصوف نیست.

ایشان از جبریه خاصاند و با معتزله در نفی کردن صفات موافقت ولی در مسأله جبر و قدر با ایشان مخالفند و معتقد به جبراند و ایمان را فقط معرفت خدا می‌دانند. این گروه مورد تکفیر قدریه واقع شده‌اند. ملل و نحل شهرستانی ص ۷۹ ترجمه الفرق بین الفرق ص ۱۳۵ و توضیح الملل ص ۱۱۰ فرهنگ علم کلام احمد ح اتمی.

در این مورد به اقوال علما دربارهٔ ابن حزم به کتاب‌های ذیل مراجعه کنید. الصارم المنکی تألیف ابن الهادی.

فتاوی ابن الصلاح و کف الرعاع تألیف ابن حجر هیتمی.
کتاب ابن حزم و موقفه من الالهیات و سیر اعلام النبلاء تألیف ذهبی.
و البیان و التحصیل تألیف ابن رشد.

خاتمه

برادر و خواهر مسلمانم!

بعد از این شرح و بسط و تفضیل به خوبی درک کردید که حکم موسیقی و آواز خوانی در اسلام ابهامی ندارد و حرام است. و بر مسلمانی لازم است که از آن دوری بجوید و اماکن و محلات موسیقی و آواز را ترک کند و در این رابطه سهل انگاری نکند.

برادر و خواهر مسلمانم!

اگر با این گناه آلوده شده‌ای باید مطابق حکم خدا و رسولش عمل کرده و از آن اجتناب و توبه نمایی و اگر چنانچه با این آلات آلوده نشده‌ای باید شکر خداوندی را بجا آوری و بنده نیز از خداوند متعال خواستارم که تو را ثبات و پایداری نصیب بفرماید.

تو باید به صفت یک ناصح و داعی مخلص برادران و خواهران مسلمان خود را آگاه کرده و حکم خدا و رسولش را در این مورد برای آنها بیان کنی؛ زیرا دلایل کافی در این رساله کوچک در دسترس تو قرار دارد و اگر در دعوت و تبلیغ زبانی عاجز ماندی این رساله را به آنهایی که می‌دانی در معصیت و گناه موسیقی و آواز خوانی آلوده شده‌اند تقدیم کن و به آنها بگو که این کتاب را بخوانند و متوجه شوند که هر مسلمان باید در مقابل اوامر الهی بدون چون و چرا تسلیم و منقاد باشد و معتقد گردد که حلال آن است که خداوند حلال گردانیده و حرام هم از جانب او تعیین شده است. چنانکه خداوند می‌فرماید :

﴿ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا ﴾
(احزاب / ۳۶)

«و شایسته هیچ مرد و زن مومنی نیست که هرگاه الله و رسولش دستوری را دهند [در برابر امر الله و رسول] از خودشان اختیاری داشته باشند و هرکس الله و رسولش را عصیان نماید به تحقیق به آشکاری گمراه گردیده است»
و آنها را آگاه بگردان که دلها وقتی زنده می‌شود و به خود می‌آید که احکام الهی و سنت‌های پیامبر اکرم ﷺ را بجا بیاوند.

خداوند متعال می‌فرماید :

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ ۚ وَأَنَّهُ دَرِإٌ إِلَيْهِ مَحْشُرُونَ ﴾
(انفال / ۲۴)

«ای مؤمنان قبول کنید فرا خواندن خدا و رسول او را چون بخواند خدا شما را برای آنکه زنده سازد شما را و بدانید که خداوند حائل می‌شود در میان شخص و دل او و بدانید که به سوی او برانگیخته می‌شوید».

کسی که در برابر امر خدا و پیامبرش تمرد می‌کند خداوند حائل و مانع واقع می‌شود میان او و دلش و وی را از حق باز می‌دارد.

و کسی که گمراه کند او را خداوند آن وقت هیچ کس نمی‌تواند او را هدایت کند. از خداوند متعال خواستارم که ما را به انجام اعمالی توفیق عنایت بفرماید که دوست دارند و به آن راضی می‌شوند و ما را از شمار کسانی قرار بدهند که سخن را شنیده و از

بهترین آن پیروی کند و ما را تا دم لقاء الله بر حق استوار و عمل ما را خاص برای خود بگرداند و به خیر ما آن را حجت و دلیل قرار بدهند، نه به ضرر و زیان ما، و برای ما حق را حق جلوه بدهند و توفیق عمل عنایت بفرمایند و باطل را، باطل معرفی کند و ما را از آن دور بگرداند و در یک دو راهی حیرت که میان حق و باطل را نتوانیم تشخیص بدهیم قرار ندهد.

خدایا! برای ما در دنیا و آخرت نیکی را ارزانی بفرما و ما را از عذاب دوزخ نجات عنایت بفرما.

خدایا! نویسنده، خواننده و مترجم و ناشر این رساله را و کسی که در نشر و چاپ آن می‌کوشد و به محتویات آن عمل می‌کند بیامرزد و پدران و استادان و برادران و خواهران و فرزندان ما را و هر کس از مؤمنان که بر ما حقی دارند عفو کن، برحمتک یا ارحم ارحمین

اللهم صل و سلم و بارک علی عبدک و نبیک

محمد و علی آله و صحبه و اتباعه الی یوم الدین

التماس دعا :

ابو سهیل عبدالرحیم سالارزهی